

نظام تعلیم و تربیت

در کشورهای کم رشد و رشد یافته در جهان امروز

۵

بخش سوم

برنامه‌های تعلیم و تربیت و رشد اقتصادی و اجتماعی در کشورهای کم رشد و رشد یافته

در کشورهای کم رشد نیروی انسانی متخصص برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کمیاست و درپاره‌ای کشورها غالباً تحصیلات متوسط و عالی در عین محدودیتش راهی کهن میپیماید و باحوائج برنامه‌های رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی سازگاری ندارد ازاینرو درپاره‌ای موارد تحصیلات عالی بسوی هنرها، ادبیات حقوق، تاریخ، فلسفه گرایش دارد درحالیکه درزمینه فنها ودانشهای نواحیاجات این کشورها بیشمار و روزافزون است.

دراین زمینه کشورهای کم رشد بندرت توانسته‌اند برنامه‌های آموزشی متناسب با برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی تنظیم کنند و آنرا با هدفهای عمومی و سیاست اجتماعی مملکت هماهنگ سازند.

بدیهی است این امر خواهان مبنائی اجتماعی و مادی لازم و داشتن يك برنامه رشد اقتصادی و صنعتی واقعی است. تحویلیکه باید دراین زمینه در کشورهای کم رشد پدید آید این است که آموزش چون يك بنیاد اجتماعی مورد عنایت قرار بگیرد و این توجه بوجود آید که آموزش یکی از وسائل عمده‌ای است که جامعه‌ی رشد جوی و کمال طلب در اختیار دارد تا کارگر یا صنعتگر یا متخصصی را که بآن نیازمند است در آینده نزدیک تربیت کند و این نیاز بتدریج در کشورهای کم رشد احساس میشود که جامعه‌ای که بخواهد از نظر پیشرفت فنی و علمی و رشد

صنعتی بکوشی جدی دست بزند باید نیروی انسانی متخصص و کاردان پرورد و بکار بگیرد این نیروی متخصص است که میتواند رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی و افزایش قدرت تولید را میسر سازد.

بدین سان برنامه‌های آموزشی در تهبیه و اجرای برنامه‌های درازمدت رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی نقش عمده‌ای دارند.

بی‌شبهه لازمه رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی ایجاد تغییرات ژرف در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه است. و این هم تنها به مدد عوامل اقتصادی میسر نیست بلکه دگرگونی عظیم سازمان جامعه و ایجاد تحسرك اجتماعی در این طریق از ضروریات است. بدون تردید سواد وسیله مؤثری برای ایجاد تغییرات روانی و تحولات فکری است و زمینه را برای تحولی ژرف فراهم میسازد.

رشد و توسعه اقتصادی حاصل فعالیت‌های متنوع اقتصادی و اجتماعی است اما گسترش فعالیت‌های اقتصادی در جامعه ایکه گروه‌های بیشمار مردمش بیسوادند امکان ناپذیر است. زیرا بیسوادی مانع از آنستکه افراد بتوانند با شرایط نوین جامعه همسازی کنند.

بدینسان ناها همگی رشد اقتصادی و اجتماعی پدیدار میشود در این حال جامعه کم رشد با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه میگردد.

بسیاری از کشورهای کم رشد برای افزایش درآمد ملی و تأمین رفاه اجتماعی و صنعتی کردن مملکت خود کوشش فراوان میکنند. این کشورها در مرحله نخست نیاز به نیروی انسانی متخصص دارند.

حقیقت اینکه کشورهای کم رشد بسرما به گذاری در زمینه تعلیم و تربیت چندان نیاز دارند که باید بخش عمده‌ای از منابع و امکانات خود را بدان اختصاص دهند. بنا بیک بر آورد دقیق اجرای موفقیت آمیز برنامه ۵ ساله آینده هندوستان به ۳۰۰۰۰۰ مهندس و کارشناس فنی نیاز دارد حال آنکه شماره مهندسان و متخصصات فنی در حال حاضر به ۸۰۰۰۰ نفر هم نمی‌رسد پیداست و تربیت ۲۲۰۰۰۰ نفر مهندس و متخصص فنی با امکانات و منابع موجود پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا نیز بسیار دشوار است.

طبق برآورد سازمان برنامه ریزی اقتصادی اندونزی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی کردن کشور به ۱۲۰۰۰۰ نفر مهندس و تکنیسین و متخصص فنی نیاز دارند. حال آنکه شماره کارشناسان فنی و متخصصان در حال حاضر به ۳۰۰۰۰ نفر هم نمی‌رسد. بدینسان دشواری عمده کشورهای کم رشد در زمینه رشد اقتصادی کمبود نیروی انسانی متخصص است.

امروز کشورهای کم رشد بامشکل بزرگی روبرو هستند. این کشورها با دشواری بسیار و صرف هزینه سنگین عده‌ای متخصص در رشته‌های مختلف فنی و علمی تربیت میکنند آنگاه این نخبگان گرانقدر در اثر شرایط نامناسب جامعه‌های خود بديار فرانک و آمریکا سفر میکنند و دانش خود را وقف کشور های پیشرفته می‌سازند مختصر اینکه برنامه‌های تعلیم و تربیت کشورهای کم رشد هماهنگ با برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز است و در پاره‌ای موارد تضادی نیز میان برنامه‌های فرهنگی و سیاست عمومی این کشورها مشاهده میشود.

یکی از کارشناسان سازمان ملل متحد درباره برنامه‌های فرهنگی کشورهای کم رشد چنین میگوید:

- ۱- دربرنامه‌های آموزشی کشورهای کم رشد هدفها بسیار مبهم و درهم است.
 - ۲- فلسفه ارشادی آن سست و ناپایدار است.
 - ۳- با واقعیت‌های جوامع امروز سازگار نیست.
 - ۴- میان برنامه‌های رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی و برنامه‌های آموزشی هماهنگی وجود ندارد.
 - ۵- محتوی و کیفیت برنامه‌ها بدون در نظر گرفتن وضع اجتماعی و اقتصادی و طبیعی این کشورها از برنامه‌های فرهنگی کشور های پیشرفته اقتباس شده است.
 - ۶- برنامه‌های آموزشی که در زمینه صنعتی و حرفه‌ای و علوم تجربی اجرا میشود جامد - صوری - فشرده و بیش و کم دوران مقتضیات يك جامعه نوین صنعتی و کشاورزی است و نسبت به حوائج فردی و محلی بی‌عنایت است.
- مثالاً در ایران پسران ایل‌نشین بختیاری و نفتگر آبادانی و کشاورزان ندرانی

و تاجر تهرانی همه يك برنامه همسان را دنبال میکنند و برای يك كار خاص تربیت میشوند . محتوی برنامه که متحمل برای دانش آموزان نامطلوبیست بیشتر با شرایط زندگی شهری سازگار است و برنامه هاصوری و نظری است و بسیار از مفاهیم علمی در اثر کهنگی جنبه علمی خود را از دست داده است .

امروز علوم تجربی و عملی ایجاب میکند بلکه مستلزم آموزش و پرورش فنی و تخصصی است جامعه صنعتی جامعه پویائی است دیگر کودکان را نمیتوان برای حفظ اصول دیرین و سنتهای کهن پرورش داد. باید آنان را برای زندگی در دنیائی تربیت کرد که مدام دیگرگون میشود و پیوسته نیاز های تازه ای دارد .

بنا بر این تعلیم و تربیت در کشور های رشد یافته وظیفه بسیار سنگینی بعهده دارد و هدفهای تعلیم و تربیت بسیار متنوع و هماهنگ با برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی است .

در این نظام دانشهای جدید ، پندهای غبار آلود اوهام و خرافات دیرین را میگذسد ، مغزها آزاد میشوند و راههای نو میجویند ، پهنه زندگی جهان نو آوریها و ابتکارات است .

امروز تعلیم و تربیت در کشور های پیشرفته با اقتصاد و سیاست و اجتماع همپائی میکند و برنامه های آموزشی با سیاست عمومی این کشور ها هماهنگ است بسط و توسعه آموزش و پرورش و گسترش دامنه پژوهشهای علمی سبب شده است که کشورهای پیشرفته بخش عمده از درآمد ملی خود را در راه پیشرفت فرهنگ مصرف نماید .

در کشور های پیشرفته اروپائی (کشور های اسکاندیناوی - انگلستان - فرانسه هلند - آلمان - بلژیک - سویس و ایتالیا نزدیک ۱۵ درصد بودجه کل کشور اختصاص به هزینه تعلیم و تربیت دارد .

پیشرفتهای شگرف علمی در اتحاد جماهیر شوروی جلوه بازرس از عنایات دولت شوروی به مسأله تعلیم و تربیت است امروز ۳۶ درصد بودجه کل شوروی در راه بسط توسعه آموزش فنی و تعلیم و تربیت مصرف میشود .

بزرگترین رقم مطلق (نه نسبی) - هزینه آموزش و پرورش در دنیا هزینه تعلیم و تربیت آمریکا و شوروی است که در سال ۱۹۶۱ معادل ۲۹ میلیارد

دلار یعنی ۵۸۵۸ درصد از درآمد ملی آمریکا بوده است و در همین حال بودجه آموزش اتحاد جماهیر شوروی ۲۷ میلیارد دلار یعنی ۱۰۲۵ درصد از درآمد ملی آن کشور بوده است .

بدینسان تعلیم و تربیت همبای اقتصاد و صنعت و تجارت بجا یکی پیش می‌رود و امرز در شوروی بیش از ۷ میلیون کارشناس که تحصیلات عالی دارند در رشته های مختلف صنعتی و کشاورزی بکار مشغولند در حالیکه قبل از انقلاب اکتبر این شماره فقط دویست هزار بوده است . ۱

میتوان گفت که این آثار منفی و دوام ناهماهنگی رشد اقتصادی و اجتماعی با تمرکز ترقیات علمی و فنی اقتصادی در چند قطب نیرومند پیوندی مسلم دارد این مراکز نیرومند با اقتصاد توانای خود هم از امکانات ابداع و نوآوری برخوردارند هم توانائی و وسائل تحمیل محصولات خود را بدیگران دارند و هم شرایط مناسب برای پرورش استعداد های نهانی بشر را در نتیجه نه تنها ذخائر مادی بلکه ثروتهای انسانی مناطق دیگر را نیز بسوی خود می‌کشند بنحوی که در زمینه فنون و دانشهای نوین هم وصفی شبیه تجارت وجود دارد . چند رقم به توضیح این مطلب کمک میکند مجموعه مخارجیکه در سال ۱۹۶۲ در آزمایشگاههای تحقیقاتی علمی جهان مصرف شده است نزدیک ۴۰ میلیارد دلار میشود قریب ۱۲۰۰۰۰۰ نفر دانشمند و محقق در این آزمایشگاهها به پژوهش و تحقیق مشغول بوده اند اما سه چهارم این ارقام متعلق به ۵ یا ۶ کشور رشد یافته صنعتی است این وضع قطب جاذبی بوجود میآورد که دانشمندان خارجی رامی‌رباید مثلاً طی سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۶۱ شماره دانشمندان و مهندسانیکه فقط به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده اند ۴۳۵۰۰ نفر بوده است یعنی بطور متوسط قریب ۳۳۵۰ در سال یا معادل (ظرفیت تولید) چند دانشگاه ؛

جالب اینستکه ۳۰ درصد این مهاجران از کشورهای آسیائی و امریکائی جنوبی بوده اند مثلاً از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ جمماً ۱۸۳۷ نفر دانشمند و متخصص از آمریکای جنوبی ۲۱۴۱ نفر از آسیا به آمریکا مهاجرت کرده اند . بدینسان بخشی از ثروت فکری و فنی همانند ثروت مادی در نیرومندترین مراکز اقتصادی جهان گرد میآید و شك نیست این تمرکز بزبان کشورهای کم‌رشد صورت میگیرد .

۱ - نقل از مقاله دکتر شاهپور راسخ تحت عنوان اقتصاد و تعلیم و تربیت

از کتاب هفته .